

بررسی حمایت فرزندان بزرگسال از والدین و عوامل اثرگذار بر آن در شهر تهران^۱

فاطمه مدیری*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)

چکیده

با توجه به تغییرات اقتصادی-اجتماعی در دهه‌های اخیر و لزوم بررسی روابط بین‌نسلی، این پژوهش به بررسی ابعاد مختلف حمایت فرزندان بزرگسال از والدین مشتمل بر حمایت ابزاری، حمایت عاطفی و حمایت مالی پرداخته است. جامعه آماری این پیمایش مقطعی، زنان و مردان ۱۸ سال و بالاتر در شهر تهران بوده که حداقل یک والد زنده داشته و هم‌سکنا نبوده‌اند. ۱۰۰۰ نفر به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای از ۳۰ حوزه انتخاب شده‌اند. یافته‌ها نشان داد حمایت فرزندان بزرگسال از والدین در ابعاد مختلف یکسان نیست؛ به طوری که حمایت عاطفی از والدین بیشتر و حمایت ابزاری و به‌ویژه حمایت مالی کمتر گزارش شد. عوامل اثرگذار بر حمایت فرزندان بزرگسال از والدین نیز در ابعاد مختلف یکسان نبوده و متأثر از ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی، منابع، نیازها و بازدارنده‌ها در فرزندان بزرگسال و والدین است. حمایت ابزاری از والدین متأثر از سن والدین، ترتیبات زندگی، دین‌داری فرزندان بزرگسال، تعهد فرزندی و فاصله جغرافیایی است. حمایت عاطفی متأثر از دین‌داری فرزندان بزرگسال، تعهد فرزندی، تضاد میان والدین و تضاد با والدین است. همچنین، حمایت مالی متأثر از سن والدین، رفاه فرزندان بزرگسال، تعهد فرزندی، تضاد با والدین و فاصله جغرافیایی است. یافته‌ها تأییدکننده نظریه‌های نوع‌دوستی، همبستگی بین‌نسلی و اقتضایی است.

کلیدواژه‌ها: حمایت از والدین، حمایت عاطفی، حمایت ابزاری، حمایت مالی، فرزندان بزرگسال.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی روابط فرزندان بزرگسال با والدین: تماس، حمایت و تعهد» می‌باشد که در سال ۱۳۹۸ با حمایت مالی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور انجام شده است.
* دانشیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور.

مقدمه

به دنبال تغییرات اقتصادی اجتماعی و فرایند مدرنیته، مطالعه روابط بین نسلی، به طور سنتی از دیدگاه کارکردگرایی مطرح شد و در آن دیدگاه استدلال بر این بود که مدرنیاسیون موجب تضعیف خانواده، شده است. در سال‌های اخیر، به دلیل سالخوردگی جمعیت و تغییرات جمعیت‌شناختی، مجدداً علاقه به مطالعه روابط بین نسلی افزایش یافته است. با افزایش امید زندگی^۱، زمان طولانی روابط والدین و فرزندان برای هر دو نسل جایگاه خاصی یافته است. افزایش طول عمر و کاهش مرگ‌ومیر، در برخی جوامع تعادل نسبت سالمندان به جوانان را تحت تأثیر قرار داده و تغییرات، به سوی وارونه^۲ شدن هرم جمعیتی را نشان می‌دهد (هرلوفسن و هاگستد^۳، ۲۰۱۱). محققین به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستند که باتوجه به تغییرات مذکور، آیا فرزندان بزرگسال همچنان از والدین خود در ابعاد مختلف حمایت می‌کنند؟

بررسی حمایت فرزندان بزرگسال از والدین از ابعاد مختلف حائز اهمیت است. از جمله اینکه در سال‌های اخیر اگر چه تغییرات در برخی حوزه‌ها مانند ازدواج و باروری محرز شده، اما روند دیگر جنبه‌های رفتاری مرتبط با خانواده مانند میزان حمایت فرزندان بزرگسال از والدین مشخص نیست (گروندی و شلتون^۴، ۲۰۰۱). براین اساس، برخی معتقدند افزایش تعداد خانواده‌های سه یا چهار نسلی ممکن است فرصت‌های بیشتری برای تعامل و حمایت به وجود آورد (داکسترا^۵، ۲۰۱۰)، اما باتوجه به تغییراتی مانند افزایش امید زندگی، کاهش تعداد فرزندان، افزایش تحصیلات، افزایش اشتغال زنان، جدایی فیزیکی فرزندان بزرگسال از والدین، دغدغه‌های فراوانی نیز مبنی بر کاهش روابط بین نسلی وجود دارد (هارپر^۶، ۲۰۰۳؛ پیکارد^۷، ۲۰۰۲).

از سوی دیگر در تأثیر تغییرات جمعیتی بر ساختار خانواده نتایج متفاوتی در تحقیقات دیده می‌شود. برخی محققین معتقدند تغییرات جمعیتی با تغییراتی در ساختار و کارکرد خانواده همراه

1. Life Expectancy

۲. یک شکل خاص از هرم سنی است که جمعیت‌هایی با سالخوردگی مفرط با آن مواجه هستند. سالخوردگی مفرط پدیده‌ای است که در آن سهم جمعیت سالمند ۶۵ ساله و بالاتر به بیش از ۲۰ درصد برسد.

3. Herlofson & Hagestad

4. Grundy & Shelton

5. Dykstra

6. Harper

.. Pickard

است. به‌عنوان مثال، بنگستون^۱ و همکارانش معتقدند افزایش طول عمر و کاهش مرگ‌ومیر موجب شده، یک نسل کامل به بسیاری از خانواده‌ها اضافه شود (بنگستون و رابرت^۲، ۱۹۹۱؛ بنگستون و همکاران، ۲۰۰۳) که این افزایش نسل‌ها به حمایت و مراقبت از افراد نیازمند خانواده کمک می‌کند. برخی دیگر معتقدند در دهه‌های اخیر تغییراتی ایجاد شده که احتمال گسست و تضعیف در روابط میان اعضای خانواده را تقویت کرده است. تنستد^۳ و همکارانش (۱۹۹۳) معتقدند، کاهش نرخ باروری به معنای تعداد فرزندان کمتری خواهد بود که از والدین سالمند خود حمایت می‌کنند. همچنین تغییراتی مانند کاهش روابط اقتدارگرایانه میان والدین و فرزندان، افزایش فردگرایی، کاهش تأثیر نهادهای مذهبی و دین بر ارکان زندگی اجتماعی نیز نشان از گسست احتمالی در روابط خانوادگی است. اما متفاوت با یافته‌های مذکور داکسترا و کامتر^۴ (۲۰۰۶) نشان دادند که توصیف ساختار خانواده به‌سادگی از طریق آمار جمعیتی امکان‌پذیر نیست و می‌بایست به الگوی باروری و مرگ‌ومیر در نسل‌های متعدد توجه شود. به‌عنوان مثال افزایش طول عمر به‌تنهایی ممکن است با احتمال بالای افزایش نسل‌ها همراه باشد، اما به تعویق افتادن والدگری این احتمال را کاهش می‌دهد (داکسترا و کامتر، ۲۰۰۶). همچنین، به‌دلیل اثرگذاری زمینه فرهنگی هر جامعه بر روابط میان‌فردی، امکان استفاده از نتایج دیگر جوامع و سیاست‌گذاری بر مبنای آن ناکارآمد خواهد بود و بنابراین، مطالعات باید در متن هر جامعه انجام شود (داکسترا و کامتر، ۲۰۱۲).

علی‌رغم تفاوت‌های موجود در جوامع مختلف، یافته‌های مشابهی نیز مشاهده شده است. به‌عنوان مثال، مطالعات متعدد نشان داده‌اند که با افزایش سن والدین، کاهش سلامت والدین، به‌تنهایی زندگی کردن والدین، دین‌دارتر بودن فرزندان بزرگسال، تضاد کمتر میان والدین و تضاد کمتر میان فرزندان بزرگسال و والدین، حمایت فرزندان بزرگسال از والدین بیشتر بوده است (فینگرمن^۵ و همکاران، ۲۰۱۰؛ ایکینک^۶ و همکاران، ۱۹۹۹؛ شکوهی، ۱۳۹۱؛ حصارى، ۱۳۹۶؛

-
1. Bengtson
 2. Bengtson & Roberts
 3. Tennstedt
 4. Dykstra & Komter
 5. Fingerman
 6. Ikkink

کالمین^۱، ۲۰۱۴؛ فرهمند و همکاران، ۲۰۱۴؛ کیلیان و گانونگ^۲، ۲۰۰۲؛ آلن^۳، ۲۰۰۲). همچنین رابطه مثبت میان روابط خانوادگی بهینه و سلامت جسمی و روانی که در مطالعات متعدد گزارش شده (اونایلی^۴، ۲۰۱۰؛ لوین و کوری^۵، ۲۰۱۰؛ گرین^۶، ۱۹۹۰) نیاز به بررسی روابط میان فرزندان بزرگسال و والدین را نشان می‌دهد.

در جامعه ما نیز در سال‌های اخیر تغییرات جمعیتی و فرهنگی گسترده‌ای ایجاد شده است. افزایش امید زندگی، کاهش مرگ‌ومیر، افزایش سن ازدواج، فرزندآوری کمتر، فرزندآوری در سنین بالاتر، افزایش تمایل زنان به اشتغال، افزایش نرخ طلاق و ظهور عناصری از ارزش‌های پست‌مدرن در حوزه خانواده از تغییرات مذکور می‌باشد (آزادارمکی، ۱۳۹۵؛ حصاری، ۱۳۹۶؛ شکوهی، ۱۳۹۱؛ فرهمند و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوششی، ۱۳۸۸؛ مدیری و مهدوی، ۱۳۹۴). هر یک از این تغییرات می‌تواند روابط بین فردی در خانواده را دستخوش تغییراتی نماید. از طرف دیگر، برخی مطالعات بین‌نسلی نشان می‌دهد در جامعه ایران علی‌رغم وجود برخی تضادها، روابط و پیوندهای بین‌نسلی همچنان پدیده‌هایی مهم هستند و خانواده همچنان مرکز حمایت عاطفی تلقی می‌شود (آزادارمکی، ۱۳۹۵) و این درحالی است که بررسی روابط میان والدین و فرزندان بزرگسال عمدتاً مغفول مانده است.

روابط بین‌نسلی زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که نسل‌های مختلف برای تأمین منابع با کمبود خدمات دولتی مواجه باشند. در کشور ما ضعف دولت رفاه برای رفع نیازهای گروه‌های سنی مختلف بارز است. در چنین شرایطی انتقالات خصوصی بخشی از ناکارآمدی دولت را جبران می‌کند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که چشم‌انداز آینده ساختار سنی جمعیت نیز در نظر گرفته شود. ساختار سنی جمعیت کشور در سرشماری سال ۱۳۹۵ به گونه‌ای بوده که بیش از ۴۱ درصد جمعیت کشور در سنین میان‌سال (۵۹ - ۳۰ سال) بوده‌اند و در سال‌های نه‌چندان دور، با انبوه جمعیت سالخورده که نیازهای ویژه‌ای دارند، درگیر خواهیم بود (حصاری، ۱۳۹۶). بنابراین، تغییرات ایجاد شده در دهه‌های اخیر این سؤالات را پیش می‌آورد که حمایت

1. Kalmijn
2. Killian & Ganong
3. Allen
4. Onayli
5. Levin & Currie
6. Green

فرزندان بزرگسال از والدین به چه میزان است؟ آیا حمایت فرزندان بزرگسال از والدین در ابعاد مختلف مشتمل بر حمایت ابزاری، حمایت عاطفی و حمایت مالی یکسان است؟ آیا حمایت فرزندان بزرگسال از پدر و مادر یکسان است یا تفاوت‌هایی وجود دارد؟ عوامل اثرگذار بر حمایت فرزندان بزرگسال از والدین کدامند؟

چارچوب نظری

در روابط میان فرزندان بزرگسال با والدین تبیین‌های نوع‌دوستی، همبستگی نسلی و نظریه اقتضایی کاربرد بیشتری دارد که به اختصار به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود.

نظریه نوع‌دوستی: انتقالات نوع‌دوستانه از طریق حس وظیفه یا تعهد اخلاقی نسبت به فراهم ساختن کمک به افراد دیگر و به واسطه خیرخواهی انتقال دهنده نسبت به دریافت کننده تحریک می‌شود. یک انتقال زمانی نوع‌دوستانه تلقی می‌شود که یک کنش‌گر خواهان از دست دادن رفاه خود برای بهبود رفاه دیگران باشد (آلبرتینی و رادل، ۲۰۱۲: ۱۰۸). این نظریه فرض می‌کند که عواملی مانند عواطف، وظایف اخلاقی یا تعهدات، اساس حمایت از دیگران هنگام نیازمندی است. این احساسات و عواطف نوع‌دوستانه بدون اینکه بازپرداختی وجود داشته باشد فرزندان را به مراقبت از والدین ناتوان ترغیب می‌کند (سیلورستین^۲ و همکاران، ۲۰۰۲: ۳).

همبستگی بین‌نسلی^۳: زمانی که توازن بین پرداخت‌کننده و دریافت‌کننده تغییر می‌کند و برخی به‌وضوح بیش از دیگران و بیش از آنچه انتظار دارند در آینده دریافت کنند، پرداخت می‌کنند، بحث همبستگی پیش می‌آید. از جمله مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده در مورد روابط بین‌نسلی نظریه همبستگی بین‌نسلی بنگستون و رابرت (۱۹۹۱) است که در آن ابعاد مختلف رفتار ارتباطی و حمایتی درون خانواده و بین نسل‌ها مورد بحث قرار گرفته است. در مدل کلاسیک همبستگی بین‌نسلی بر اهمیت ساختار تأکید شده و مؤلفه اصلی در همبستگی بین‌نسلی ساختاری، نزدیکی جغرافیایی میان والدین و فرزندان است. فرزندان که در فاصله جغرافیایی نزدیک‌تری با والدین خود زندگی می‌کنند، تماس‌های بیشتری با آنان خواهند داشت.

نظریه اقتضایی^۴: این نظریه در جامعه‌شناسی معتقد است که اعضای خانواده در صورت نیاز

1. Albertini & Radl
2. Silverstein
3. Solidarity
4. Contingency Theory

کمک بیشتری دریافت می‌کنند. بر اساس این نظریه، فرزندان بزرگسال به والدین نیازمند خود کمک بیشتری می‌کنند (اگبین و داوی^۱، ۱۹۹۸). بنابراین، با کمک این نظریه، نیاز داشتن والدین و ضروری بودن نیاز، می‌تواند حمایت فرزندان بزرگسال از والدین را تبیین کند. افراد در مقایسه با ضرورتی مانند هزینه برای اورژانس پزشکی کمتر به تأمین بودجه یک مورد لوکس، مانند تعطیلات تعهد دارند (درک^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). بیکاری والدین، برنامه کاری نامشخص والدین، تک‌والد بودن باعث حمایت بیشتر فرزندان بزرگسالان از والدین می‌شود (آکولینو^۳، ۲۰۰۶، فروستنبرگ^۴، ۲۰۰۰). این نظریه توضیح می‌دهد که اگر والدین به‌تنهایی قادر به انجام کارهای روزمره نباشند (اگبین و داوی^۵، ۱۹۹۸)، حمایت از ایشان افزایش می‌یابد.

پیشینه تحقیق

مطالعات انجام شده در برخی کشورهای غربی نشان می‌دهد که حمایت عاطفی^۶، ابزاری^۷ و مالی^۸ فرزندان بزرگسال از والدین، در مراحل مختلف با تغییراتی به قوت خود باقی است. مطالعات آتیاز دانفت^۹ و همکارانش (۲۰۰۵) در فرانسه و کولی و کانموند^{۱۰} (۲۰۰۱) در آلمان از جمله این مطالعات هستند. در آلمان حمایت عاطفی و حمایت ابزاری فرزندان و والدین اغلب برابر بوده و گاهی این حمایت‌ها از سوی فرزندان پیشی نیز گرفته است (شوارز^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۹۷). فینگرمن^{۱۲} و همکارانش (۲۰۱۲) نیز نشان داده‌اند در ارتباط والدین و فرزندان حمایت عاطفی، عملی و مالی به کرات اتفاق می‌افتد. بنگستون و ایاما^{۱۳} (۲۰۰۷) گزارش کرده‌اند، به نظر نمی‌رسد که در آینده مناقشات نسلی مشخصی وجود داشته باشد و احتمالاً همبستگی نسلی و نوع دوستی در سطح بالایی باقی خواهد ماند. لی^{۱۴} (۱۹۹۶) به این نتیجه دست یافته که

1. Eggebeen & Davey
2. Drake
3. Aquilino
4. Furstenberg
5. Eggebeen & Davey
6. Emotional
7. Instrumental
8. Financial
9. Attias-Donfut
00. Kohli & Künemund
11. Schwarz
22. Fingerman
33. Bengtson & Oyama
44. Lye

فرزندان بزرگسال و والدین آنها، روابط رضایت‌مند احساسی با هم دارند، اما مبادله کمک‌های عملی و مالی غیرمعمول است.

کالمین (۲۰۱۴) می‌نویسد: دختران بیش از پسران از والدین خود حمایت می‌کنند و اغلب به‌عنوان نگهبانان خویشاوندی^۱ نامیده می‌شوند. خانواده در زمان بحران، یا زمانی که نیاز و مشکل خاصی وجود دارد، به‌عنوان یک شبکه ایمنی عمل می‌کند. از آنجا که این نیازها و مشکلات در دوره زندگی^۲ متفاوت هستند، مبادله حمایت به‌شدت وابسته به سن و عوامل دیگر مرتبط با دوره زندگی است. ارتباط با مادر بیش از پدر است. فاصله جغرافیایی تأثیر مثبت قوی بر حمایت دارد. هر چه تعداد خواهر و برادرها بیشتر باشد تماس هر فرزند با والدین کمتر می‌شود. زندگی کردن والدین به‌تنهایی و مشکلات سلامتی حمایت بیشتر فرزندان بزرگسال را به‌دنبال دارد. تنها استثنا این است که فرزندان حمایت مالی کمتری به والدین خود ارائه می‌دهند، حتی وقتی والدین فقیر باشند. کالمین و داکسترا^۳ (۲۰۰۶) و کالمین و ساراکنو^۴ (۲۰۰۸) نیز نشان دادند با افزایش تعداد خواهر و برادرها، یک فرزند معمولاً کمتر والدین را می‌بیند و حمایت کمتری از والدین خود دارد، اما این به این معنا نیست که والدین در خانواده‌های بزرگتر کمک یا دیدار کمتری دریافت می‌کنند.

کیلیان و گانونگ (۲۰۰۲) نشان دادند که میان حضور در کلیسا و روابط بین‌نسلی رابطه مثبت وجود دارد و اعتقادات ایدئولوژیک پیشگویی‌کننده‌های بهتری هستند.

فینگرمن و همکارانش (۲۰۱۰) در مطالعه خود نتیجه گرفتند، هر چه تعهد فرزندی در روابط میان والدین و فرزندان بیشتر باشد، میزان حمایت دریافتی والدین بیشتر است. مادران، والدین سالمند، والدین نیازمند حمایت و والدین بدون همسر حمایت بیشتری دریافت می‌کنند. آلن^۵ (۲۰۰۲) به همبستگی میان تضاد زناشویی والدین و روابط عاطفی فرزندان بزرگسال و والدین پرداخته و برخی فرضیه‌ها در مطالعه وی تأیید شده است.

در مطالعات داخلی، کوششی (۱۳۸۸) در پاسخ به این سؤال که به هنگام ضرورت چه کسی سالمندان را یاری می‌کند؟ با استفاده از داده‌های میدانی سالمندان ۶۰ سال و بالاتر شهر تهران در

1. kinkeepers
2. life Course
3. Kalmijn & Dykstra
4. Kalmijn & Saraceno
5. Allen

سال ۱۳۸۶ نتیجه گرفته، حمایت خانوادگی خصوصاً حمایت ابزاری از والدین سالمند خصوصاً زنان، تحت سیطره فرزندان قرار دارد و به‌وسیله منابع دیگر قابل جبران نیست. و به‌واسطه شمار زیاد و ترکیب دو جنسی فرزندان، اکثر والدین حداقل به یکی از فرزندان دسترسی دارند.

حصاری (۱۳۹۶) به بررسی الگوها و عوامل تعیین‌کننده انتقالات پولی بین والدین سالمند و فرزندان بزرگسال در شهر تهران پرداخته است. نتایج تحقیق او نشان داده که ۲۲ درصد از کل مبادلات مالی بین والدین و فرزندان مربوط به انتقالات پرداخت شده به والدین بوده و هر سرپرست در ۱۲ ماه گذشته، ماهیانه ۳۷۸ هزار تومان از فرزندان بزرگسال دریافت کرده است. فرزندان شاغل، دارای درآمد بالاتر، پسرها و هم‌سکناها انتقالات بیشتری به والدین انجام داده‌اند و والدینی که سن بالاتری دارند، دارای درآمد بیشتر هستند، تحصیلات بالاتری دارند، فرزندان بیشتری دارند، زنان سرپرست خانوار، غیر شاغل‌ها و بازنشسته‌ها انتقالات بیشتری از فرزندان دریافت می‌کنند.

فرهمند و همکارانش (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی بر حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد پرداخته‌اند. ایشان نشان دادند، درآمد، سن و جنس رابطه معناداری با حمایت خویشاوندی دارند. فردگرایی، سودگرایی و عرفی شدن، رابطه معنادار و معکوسی با حمایت خویشاوندی دارند. شکوهی (۱۳۹۱) نیز در شهر شیراز نشان داده که زنان سالمند از حمایت مالی و عاطفی بیشتری نسبت به مردان سالمند برخوردارند.

محمودیان و ضرغامی (۱۳۹۴) در بررسی تأثیرات مهاجرت فرزندان بر حمایت اجتماعی والدین سالمند روستایی نتیجه گرفته‌اند که فرزندان مهاجر با حمایت مادی بیشتر، به‌دنبال جبران کاستی‌های خود در جنبه‌های دیگر حمایت از والدین هستند و فرزندان با وضعیت مالی بهتر، حمایت مالی بیشتری، از والدین سالمندشان دارند. متغیرهای وضعیت سلامت، وضعیت تأهل، مهاجرت و درآمد سالمند از دیگر عوامل اثرگذار در حمایت مالی فرزندان بزرگسال از والدین بوده است.

کریمی (۱۳۸۶) در بررسی عوامل مؤثر بر حمایت بین‌نسلی نشان داده، دختران بیش از پسران از والدین خود فاصله جغرافیایی دارند و این امر منجر به کاهش میزان مشارکت‌شان در حمایت از والدین می‌گردد و مادران بیش از پدران از حمایت‌های فرزندان برخوردار می‌شوند (خصوصاً در انواع مراقبتی و عاطفی).

مرور مطالعات انجام شده نشان می‌دهد، حمایت فرزندان بزرگسال از والدین متأثر از نظریه‌های نوع‌دوستی، همبستگی بین‌نسلی و اقتضایی است. این نظریه‌ها نشان می‌دهند کارکرد حمایتی فرزندان بزرگسال و والدین از بین نرفته است. برگرفته از نظریه نوع‌دوستی افزایش تعهد فرزندی، افزایش سن والدین، کاهش سلامتی والدین، به‌تنهایی زندگی کردن والدین، تفاوت رفاه فرزندان بزرگسال با والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. با توجه به نظریه همبستگی بین‌نسلی، نزدیکی جغرافیایی بر حمایت فرزندان بزرگسال از والدین اثرگذار است. برگرفته از نظریه همبستگی بین‌نسلی رفاه فرزندان بزرگسال، اشتغال فرزندان بزرگسال، تعداد خواهر و برادران، فاصله جغرافیایی از والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. بر اساس نظریه اقتضایی افزایش سن والدین، کاهش سلامتی والدین، به‌تنهایی زندگی کردن والدین، تفاوت رفاه فرزندان بزرگسال با والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. همچنین برگرفته از مطالعات پیشین جنسیت، دین‌داری، داشتن فرزندان وابسته، تضاد زناشویی و تضاد با والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است و حمایت فرزندان بزرگسال از مادران بیش از پدران است. در مطالعات پیشین عمدتاً به بررسی حمایت از والدین سالمند پرداخته شده و ابعاد مختلف حمایت از والدین نیز مد نظر نبوده، ولیکن در این پژوهش به ابعاد مختلف حمایت از والدین مشتمل بر حمایت ابزاری، حمایت عاطفی و حمایت مالی در گروه‌های سنی مختلف والدین خواهیم پرداخت.

بنابراین، فرضیه‌ها را می‌توان در دو بخش ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی، نیازها و موانع والدین شامل تأثیر سن والدین، ترتیبات زندگی والدین، وضعیت سلامت والدین، تضاد زناشویی والدین و ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی، منابع و موانع فرزندان بزرگسال شامل تأثیر جنسیت، اشتغال، وضعیت رفاه، تفاوت رفاه فرزندان بزرگسال با والدین، دین‌داری، تضاد با والدین، تعداد خواهران و برادران، داشتن فرزند وابسته، تعهد فرزندی، فاصله جغرافیایی مطرح کرد.

از طرف دیگر، باید در نظر داشت، از آنجا که نیازها، منابع و موانع در ابعاد مختلف حمایت از والدین متفاوت است، بنابراین، تأثیر فاکتورهای مذکور بر ابعاد مختلف حمایت از والدین یکسان نبوده و نباید برای ابعاد مختلف حمایت فرزندان بزرگسال از والدین مدل واحدی فرض کرد. به‌عنوان مثال برخی از عوامل مانند تضاد زناشویی والدین احتمالاً بر تمام ابعاد حمایت فرزندان بزرگسال اثرگذار است، اما می‌توان فرض کرد که برخی مانند وضعیت سلامتی والدین بر حمایت ابزاری اثر داشته و با حمایت عاطفی ارتباط چندانی نداشته باشد. همچنین تأثیر برخی

فاکتورها مانند جنسیت بر ابعاد مختلف می‌تواند متفاوت باشد. به‌عنوان مثال، باتوجه‌به اینکه زنان شاغل و دارای درآمد در جامعه ما درصد کمی را به خود اختصاص داده‌اند و از طرفی زنان به‌عنوان نگهبانان خویشاوندی مطرح هستند، می‌توان فرض کرد که حمایت ابزاری و حمایت عاطفی از والدین در زنان بیش از مردان و حمایت مالی از والدین در مردان بیش از زنان باشد. باتوجه‌به مطالب مذکور فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از: ۱. حمایت فرزندان بزرگسال از مادران بیش از پدران است؛ ۲. سن والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که هر چه سن والدین بیشتر باشد، حمایت ابزاری و مالی فرزندان بزرگسال از والدین بیشتر خواهد بود؛ ۳. سلامت والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که هر چه سلامت والدین کمتر باشد، حمایت ابزاری فرزندان بزرگسال بیشتر خواهد بود؛ ۴. ترتیبات زندگی والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که فرزندان بزرگسال از والدین تنها حمایت ابزاری و مالی بیشتر خواهند داشت؛ ۵. تضاد زناشویی والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که هر چه تضاد زناشویی میان والدین کمتر باشد، حمایت از والدین بیشتر خواهد بود؛ ۶. جنسیت فرزندان بزرگسال بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که حمایت ابزاری و عاطفی دختران از والدین بیش از پسران و حمایت مالی پسران از والدین بیش از دختران است؛ ۷. اشتغال فرزندان بزرگسال بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که فرزندان بزرگسال شاغل حمایت ابزاری کمتر و حمایت مالی بیشتر از والدین خود دارند؛ ۸. رفاه فرزندان بزرگسال بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که هر چه رفاه فرزندان بزرگسال بیشتر باشد، از والدین خود حمایت مالی بیشتری دارند؛ ۹. تفاوت رفاه فرزندان بزرگسال با والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که هر چه فرزندان بزرگسال، مرفه‌تر از والدین باشند، از والدین خود حمایت مالی بیشتری دارند؛ ۱۰. تعداد خواهر و برادران فرزندان بزرگسال بر حمایت از والدین اثرگذار است؛ ۱۱. داشتن فرزند وابسته بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که افرادی که فرزند وابسته دارند حمایت ابزاری کمتری از والدین خود دارند؛ ۱۲. دین‌داری فرزندان بزرگسال بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که هر چه فرزندان بزرگسال دین‌دارتر باشند، حمایت بیشتری از والدین دارند؛ ۱۳. تعهد فرزندان بزرگسال بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که هر چه تعهد فرزندی بیشتر باشد، حمایت از والدین بیشتر خواهد بود؛ ۱۴. تضاد فرزندان بزرگسال با والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. به‌طوری‌که هر چه تضاد

میان والدین و فرزندان بزرگسال کمتر باشد، حمایت از والدین بیشتر خواهد بود؛ ۱۵. فاصله جغرافیایی فرزندان بزرگسال از والدین بر حمایت از والدین اثرگذار است. به طوری که هر چه فاصله جغرافیایی کمتر باشد، حمایت از والدین بیشتر خواهد بود.

روش تحقیق و داده‌ها

این مطالعه پیمایشی مقطعی، توصیفی تبیینی با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت است. جامعه آماری پژوهش افراد ۱۸ سال و بالاتر در شهر تهران بر اساس اطلاعات مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ بوده و شرط ورود به این پیمایش، داشتن حداقل یک والد زنده و هم‌سکنا نبودن با والدین بوده است. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۵ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۶۹۳۷۰۶ نفر بوده که در ۶۸۴۵ حوزه سکونت داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). برای محاسبه اندازه نمونه از فرمول کوکران و با فرض بیشترین پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه ($p = 0/5$)، احتساب خطای نمونه‌گیری حداکثر ۵ درصد (دواس، ۱۳۸۶: ۷۸) و دقت احتمالی ۰/۰۵ استفاده شده است (بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نمونه). با در نظر گرفتن اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است و با احتساب اثر طرح و ضریب تعدیل بی‌پاسخی و بودجه طرح، حجم نمونه ۱۰۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای (PPS)^۱ بوده و بنابراین، یافته‌های تحقیق قابل تعمیم به شهر تهران می‌باشد. در پی دستیابی به نمونه حتی‌المقدور معرف، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی موجود بین مناطق شهر تهران، نمونه‌ها از ۳۰ حوزه انتخاب شدند. نمونه‌گیری از درب منازل بوده و از هر خانوار یک فرد برای مصاحبه دعوت شده‌اند. پرسشنامه‌های بی‌پاسخی بالا و داده‌های نامعتبر با مراجعه مجدد پرسشگران اصلاح و در نهایت ۱۰۰۰ پرسشنامه در تحلیل نهایی به کار گرفته شدند. در این پژوهش از اعتبار صوری^۲ و اعتبار سازه^۳ استفاده شده است. جهت کسب اعتبار صوری، پرسشنامه تهیه شده توسط جمعی از اعضای هیئت علمی مؤسسه مطالعات جمعیتی، اعضای هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشجویان دکتری مورد بازبینی قرار گرفته و پس از پیش‌آزمون و اعمال

-
1. Probability Proportional to Size
 2. Face Validity
 3. Construct Validity

اصلاحات، پرسشنامه نهایی تهیه شد و جهت کسب اعتبار سازه از تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد. برای پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ و در تحلیل آماری از نرم افزار SPSS و از آزمون‌های کندال، فی، وی کرامرز و رگرسیون لجستیک ترتیبی استفاده شده است. تعاریف عملیاتی متغیرهای تحقیق به شرح زیر است:

حمایت فرزندان بزرگسال از والدین: برگرفته از مطالعات سیلورستین و همکاران (۲۰۰۲)، کالمین و وریز^۱ (۲۰۰۹)، بنگستون و ایاما^۲ (۲۰۰۷)، داتلند، هرلوفسن و لیما^۳ (۲۰۱۱)، داتلند، ونسترا و هرلوفسن^۴ (۲۰۱۲)، حمایت^۵ فرزندان بزرگسال از والدین مشتمل بر حمایت ابزاری، مالی و عاطفی به شرح زیر سنجیده شده است. حمایت ابزاری با سه گویه «در ۱۲ ماه گذشته به چه میزان کارهای خانگی مانند شستن لباس، نظافت خانه، درست کردن غذا یا مراقبت شخصی مانند حمام کردن یا لباس پوشیدن به پدر/مادر خود ارائه داده‌اید؟»؛ «در ۱۲ ماه گذشته چقدر مراقبت‌های شخصی از پدر/مادر خود داشته‌اید؟»، «در ۱۲ ماه گذشته چقدر در کنار پدر/مادر خود بوده‌اید؟» (۰ تا ۶) سنجیده شده است. حمایت مالی با گویه «در ۱۲ ماه گذشته به چه میزان کمک مالی به پدر/مادر خود داشته‌اید و یا به آنها هدیه داده‌اید؟» (۰ تا ۶) سنجیده شده است. و برای تخمین میزان حمایت مالی از پاسخگویان سؤال شده که "در سال گذشته مبلغ حدودی کمک مالی یا هدایایی که به پدر/مادر خود داده‌اید، چقدر بوده است؟" حمایت عاطفی با سه گویه «در ۱۲ ماه گذشته صمیمیت شما با والدین به چه میزان بوده است؟»؛ «در ۱۲ ماه گذشته به چه میزان وقتی والدین نیاز داشته‌اند، به حرفشان گوش داده‌اید؟»، «در ۱۲ ماه گذشته به‌طورکلی به چه میزان با والدین خود توافق و تفاهم داشته‌اید؟» (۰ تا ۵) سنجیده شده است. در تحلیل عاملی گویه‌های متغیرهای حمایت ابزاری، حمایت عاطفی و حمایت مالی، هر یک بر یک عامل قرار گرفته و از آنجا که توزیع نمونه در ابعاد مختلف نرمال نبوده و حالت زیگزاکمی داشتند، این متغیرها در آزمون دو و چندمتغیره، با استفاده از چارک‌بندی به سه گروه بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شدند. آلفای کرونباخ متغیر حمایت ابزاری ۰/۷۹۱ و حمایت عاطفی ۰/۸۷۳ بوده است.

1. Kalmijn & Vries
2. Bengtson & Oyama
3. Daatland, Herlofson & Lima
4. Daatland, Veenstra & Herlofson
5. Support

سن والدین: در سطح فاصله‌ای سنجیده شده و در آزمون دو و چندمتغیره به سه گروه زیر ۶۰ سال، ۶۰ تا ۷۵، ۷۵ تا ۷۵ سال و بالاتر طبقه‌بندی شده است.

ترتیبات زندگی والدین: با گویه «پدر/مادر شما با چه کسانی زندگی می‌کنند؟» و پاسخ‌های به‌تنهایی، با همسر، با فرزندان مجرد، با پسران متأهل، با دختران متأهل، با دیگر بستگان، با دوستان، در خانه سالمندان، در خانه خود با پرستار و سایر موارد سنجیده شده و در آزمون دو و چندمتغیره به دو بخش زندگی به‌تنهایی و سایر طبقه‌بندی شده است.

وضعیت اشتغال فرزندان بزرگسال: در آزمون دو و چندمتغیره به دو بخش شاغل و غیرشاغل طبقه‌بندی شده است.

وضعیت رفاه فرزندان بزرگسال: برگرفته از مطالعه لوین و کوری (۲۰۱۰) از ترکیب سه گویه «آیا در خانواده شما ماشین هست؟» (۰-خیر، ۱-بله یک عدد، ۲-بله دو عدد و بیشتر)؛ «آیا در خانه شما هر فرد برای خود اطاق خواب دارد؟» (۰-خیر، ۱-بله)؛ «معمولاً هر سال چند بار با خانواده به مسافرت می‌روید؟» (۰-هیچ، ۱-یک بار، ۲-دو بار و بیشتر) ساخته شده است. سپس به سه بخش طبقه‌بندی شده‌اند (به اعداد ۱ و ۲ رفاه پایین، ۳ و ۴ رفاه متوسط و به پنج و بالاتر رفاه بالا تعلق گرفته است). آلفای کرونباخ متغیر وضعیت رفاه فرزندان بزرگسال $0/632$ بوده است.

تفاوت رفاه فرزندان بزرگسال و والدین: تفاضل وضعیت رفاه فرزندان بزرگسال و والدین به سه بخش رفاه بیشتر والدین، رفاه برابر و رفاه بیشتر فرزندان تبدیل شده است.

تعداد خواهران و برادران فرزندان بزرگسال: تعداد خواهر و برادر فرد پاسخگو پرسیده شده و در کدبندی دوتایی به صفر تا دو خواهر و برادر، سه خواهر و برادر و یا بیشتر تبدیل شده است.

داشتن فرزند وابسته: با گویه «آیا فرزند زیر ۶ سال دارید؟» سنجیده شده است.

فاصله جغرافیایی فرزندان بزرگسال از والدین با گویه «شما در چه فاصله‌ای از پدر/مادر خود زندگی می‌کنید؟» و پاسخ‌های یک محله، یک منطقه، منطقه دیگر، یک استان، استان دیگر، خارج از کشور کمتر (از ۱ در یک محله تا ۶ خارج از کشور) سنجیده شده است. در آزمون دو و چندمتغیره به سه بخش در یک محله یا یک منطقه، منطقه دیگر یا یک استان، استان دیگر یا خارج از کشور طبقه‌بندی شده است.

دین‌داری فرزندان بزرگسال: برگرفته از مطالعه هوبر و هوبر^۱ (۲۰۱۲) با پنج گویه «بعد از مرگ قیامت وجود دارد و به اعمال ما رسیدگی خواهد شد»، «بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است»، «باید با قاطعیت با بدحجابی مبارزه کرد»، «نمازهای یومیه واجب خود را تا چه حد به‌جا می‌آورید»، «تا چه حد در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها شرکت می‌کنید؟» سنجیده شده است. گویه‌های دین‌داری، در تحلیل عاملی بر یک عامل قرار گرفته و در آزمون دو و چندمتغیره به سه بخش پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شده است. آلفای کرونباخ متغیر دین‌داری ۰/۹۲۶ بوده است.

وضعیت سلامت والدین: از خوداظهاری فرزندان بزرگسال با گویه «به نظر خودتان وضعیت سلامت پدر/مادر شما در چه حدی است؟» (از ۱ خیلی بد تا ۵ خیلی خوب) استفاده شده است. در آزمون دو و چندمتغیره به متغیر دو حالتی سلامت بالا (خوب و خیلی خوب) و پایین (خیلی بد، بد، متوسط) طبقه‌بندی شده است.

تضاد زناشویی: با دو گویه برگرفته از پیمایش نسلی و جنسیتی^۲ والدین شما به چه میزان با یکدیگر اختلاف داشتند/دارند؟ و «والدین شما چقدر با هم قهر می‌کنند/می‌کردند یا همدیگر را ترک می‌کنند/می‌کردند؟» در مقیاس لیکرت (۰ تا ۵) سنجیده شده است. در تحلیل عاملی گویه‌های تضاد زناشویی بر یک عامل قرار گرفته و در آزمون دو و چندمتغیره به سه بخش تضاد زناشویی پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شده است.

تعهد فرزندی: از ترکیب پنج گویه در مقیاس لیکرت (۰ تا ۵) «وقتی والدین مشکلات مالی داشته باشند، فرزندان باید کمک‌های مالی برای آنها فراهم کنند»، «فرزندان باید زندگی کاری (شغلی) خود را با نیاز والدین تنظیم کنند»، «وقتی والدین نیاز به مراقبت دارند، فرزندان موظف به مراقبت از والدین خود هستند»، «در سالمندی والدین باید بتوانند با فرزندانشان زندگی کنند»، «اگر فرزندان نزدیک والدین خود زندگی کنند باید لااقل هفته‌ای یک بار به دیدار ایشان بروند»؛ برگرفته از پیمایش خویشاوندی هلند^۳ ساخته شده است. این گویه‌ها در تحلیل عاملی بر یک عامل قرار گرفته و در آزمون دو و چندمتغیره به سه بخش تعهد فرزندی پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شده است. آلفای کرونباخ متغیر تعهد فرزندی ۰/۷۴۱ بوده است.

1. Huber
2. Generations & Gender Survey
3. Netherlands Kinship Panel Study

تضاد با والدین: برگرفته از مطالعه وان گالن^۱ و همکاران (۲۰۱۰) برای بررسی تضاد سؤال شده که «در سه ماه گذشته به چه میزان درگیری، فشار و اختلاف با پدر/مادر خود داشته‌اید؟» و پاسخگو با نمرات ۰ تا ۵ پاسخ داده است (اصلاً، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد). در آزمون دو و چندمتغیره به دو بخش تضاد پایین (اصلاً، کم، خیلی کم) و تضاد بالا (تا حدودی، بالا، خیلی بالا) طبقه‌بندی شده است.

یافته‌ها

توصیف نمونه: از ۱۰۰۰ نمونه به دست آمده این پژوهش ۴۷/۵ درصد مرد و ۵۲/۵ درصد زن بوده‌اند. ۱۷/۳ درصد در دامنه سنی زیر ۳۰ سال، ۶۶/۵ درصد ۳۰ تا ۵۰ سال و ۱۶/۱ درصد بالاتر از ۵۰ سال بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۹/۱۱ سال و دامنه سنی پاسخگویان از ۲۰ تا ۷۸ سال بوده است. به لحاظ وضعیت تحصیلی ۰/۷ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۲/۱ درصد تحصیلات نهضت سوادآموزی و ابتدایی، ۳ درصد راهنمایی، ۷/۶ درصد تحصیلات متوسطه، ۲۶/۵ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۸/۶ درصد فوق دیپلم، ۳۱/۵ درصد لیسانس، ۱۶/۱ درصد فوق لیسانس، ۲/۷ درصد دکتری عمومی، ۰/۹ درصد دکتری تخصصی و ۰/۲ درصد دارای تحصیلات حوزوی بودند. بنابراین، حدود یک‌چهارم پاسخگویان تحصیلات پیش‌دانشگاهی و دیپلم و حدود یک‌سوم از ایشان تحصیلات لیسانس داشتند. ۵۵/۸ درصد از پاسخگویان شاغل تمام وقت، ۷/۴ درصد شاغل پاره وقت و ۳۶/۵ درصد غیرشاغل بوده‌اند. ۷۸/۵ درصد از افراد غیرشاغل خانه‌دار، ۰/۸ درصد دانشجو، ۱۱/۶ درصد بازنشسته، ۵ درصد بیکار، ۱/۷ درصد دارای درآمد بدون کار، ۲/۵ درصد خانه‌دار و دانشجو بوده‌اند. ۲۲/۸ درصد بدون درآمد یا فقط یارانه بگیر بوده‌اند، ۱۰/۵ درصد دارای درآمد کمتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان، ۲۹/۴ درصد درآمد یک میلیون و پانصد هزار تومان تا سه میلیون تومان، ۱۹/۲ درصد از سه میلیون تا چهار میلیون و پانصد هزار تومان، ۱۱/۵ درصد از چهار میلیون و پانصد هزار تومان تا شش میلیون تومان و ۶/۶ درصد درآمد بالاتر از شش میلیون تومان را گزارش کرده‌اند. جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	واریانس	انحراف معیار	کمینه- بیشینه
حمایت ابزاری	۵/۴۲	۱۵/۱۳	۳/۸۹	۱۸-۰
پدر	۰/۹۳	۰/۸۸	۰/۹۴	۶-۰
حمایت مالی	۱۰/۷۲	۱۲/۰۴	۳/۴۷	۱۵-۰
حمایت فرزندان بزرگسال	۶/۲۷	۱۵/۷۸۰	۳/۹۷	۱۸-۰
از والدین	۱/۰۹	۱/۰۶	۱/۰۳	۶-۰
مادر	۱۱/۵۰	۸/۳۹	۲/۸۹۷	۱۵-۰
حمایت ابزاری	۶۴/۵۶	۸۲/۳۰	۹/۰۷	۹۳-۴۳
سن والدین	۶۳/۶۱	۱۲۱/۰۳	۱۱/۰۰	۹۵-۳۹
پدر	۳/۶۹	۰/۵۶	۰/۷۵	۵-۱
وضعیت سلامت والدین	۳/۴۹	۰/۷۶	۰/۸۷	۵-۱
مادر	۰/۵۹	۱/۴۸	۱/۲۲	۵-۰
تضاد با والدین	۰/۴۱	۰/۹۷	۰/۹۹	۵-۰
مادر	۲/۵۰	۱/۹۵	۱/۴۰	۵-۰
وضعیت رفاه فرزندان بزرگسال	۱۱/۰۸	۶۵/۱۱	۸/۰۷	۲۵-۰
دین‌داری فرزندان بزرگسال	۳/۲۲	۳/۵۴	۱/۸۸۷	۱۱-۰
تعداد خواهر و برادر	۱/۴۶	۴/۴۶	۲/۱۵۳	۱۰-۰
تضاد زناشویی	۱۹/۱۰	۱۵/۰۴	۳/۸۸	۲۵-۰
تعهد فرزندی				

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، حمایت عاطفی فرزندان بزرگسال از والدین در سطح گسترده و بیش از حمایت ابزاری و حمایت مالی گزارش شده است. در تمام ابعاد حمایت از مادر بیش از پدر بوده است. سلامت والدین در سطح بالا و سلامت مادران پایین‌تر از پدران

گزارش شده است. تضاد زناشویی والدین در سطح پایین و تعهد فرزندی در سطح گسترده‌ای گزارش شده است. در جدول ۲ تفاوت میانگین حمایت فرزندان بزرگسال از پدر و مادر آورده شده است.

جدول ۲: تفاوت میانگین حمایت فرزندان بزرگسال از پدر و مادر

میانگین	تفاوت میانگین	آزمون t تک نمونه‌ای	حمایت ابزاری از والدین
پدر ۵/۴۲	-۰/۸۵	N= ۷۲۸ t= -۵/۸۸ df=۷۲۷ Sig=۰/۰۰۰	حمایت ابزاری از والدین
مادر ۶/۲۷			
پدر ۰/۹۳	-۰/۱۶	N= ۷۳۸ t= -۴/۶۱ df=۷۳۷ Sig=۰/۰۰۰	حمایت مالی از والدین
مادر ۱/۰۹			
پدر ۱۰/۷۲	-۰/۷۹	N= ۷۳۳ t= -۶/۱۵ df=۷۳۲ Sig=۰/۰۰۰	حمایت عاطفی از والدین
مادر ۱۱/۵۰			

چنانکه در جدول فوق می‌بینیم میانگین ابعاد مختلف حمایت فرزندان بزرگسال از پدر و مادر متفاوت بوده و این تفاوت در سطح معنادار است. بنابراین، فرضیه ۱ مبنی بر حمایت فرزندان بزرگسال از مادران بیش از پدران است، در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. به دلیل تفاوت معنادار حمایت فرزندان بزرگسال از پدر و مادر، در توصیف و تحلیل داده‌ها ابعاد مختلف حمایت از والدین به تفکیک پدر و مادر بیان خواهد شد^۱. حمایت فرزندان بزرگسال از والدین در ابعاد حمایت ابزاری و حمایت مالی در جدول ۳ آورده شده است.

۱. لازم به توضیح است داده‌های جدول ۲ در تمام خانواده‌ها اعم از تک‌والد و هر دو والد است. آزمون این فرضیه در خانواده‌های هر دو والد نیز نتایج تقریباً مشابهی را نشان می‌دهد. به طوری که میانگین حمایت ابزاری از پدر ۵/۵۱۱۶ و میانگین حمایت ابزاری از مادر ۵/۹۱۳۹ می‌باشد که با هم تفاوت معنادار دارند (p=۰/۰۱۰ مقدار). میانگین حمایت عاطفی از پدر ۱۱/۰۴۷۶ و میانگین حمایت عاطفی از مادر ۱۱/۶۶۱۲ می‌باشد که با هم تفاوت معنادار دارند (p=۰/۰۰۰ مقدار). میانگین حمایت مالی از پدر ۰/۹۵۷۴ و میانگین حمایت مالی از مادر ۰/۹۹۱۸ می‌باشد. حمایت مالی از مادر بیش از حمایت مالی از پدر است اما این تفاوت در سطح معنادار نیست (p=۰/۳۶۷ مقدار).

جدول ۳: توزیع درصدی نمونه بر حسب گویه‌های حمایت ابزاری و حمایت مالی فرزندان بزرگسال از والدین

گویه	اصلاً	چندین بار در سال	کمتر از چندین بار در سال	حداقل یکبار در ماه	حداقل یکبار در هفته	چند بار در هفته	روزانه	
چقدر در کارهای خانگی مانند نظافت خانه و... به والدین خود کمک منظم ارائه داده‌اید؟	۵۱/۳	۱۱/۵	۱۹/۶	۵/۲	۵/۱	۴/۷	۲/۷	
چقدر مراقبت‌های شخصی از والدین خود داشته‌اید؟	۴۴/۲	۱۸/۴	۲۲/۶	۵/۵	۳	۴/۲	۲/۱	
چقدر در کنار والدین خود بوده‌اید؟	۴/۸	۶	۳۶/۷	۱۹/۶	۱۷/۳	۹/۸	۵/۹	
جمع کل متغیر حمایت ابزاری از والدین	۳۳/۴۱	۱۱/۹۶	۲۶/۳	۱۰/۱	۸/۴۵	۶/۲۱	۳/۵۷	
به چه میزان کمک مالی به والدین خود داشته و یا به آنها هدیه داده‌اید؟ (متغیر حمایت مالی از والدین)	۳۹/۲	۳۴/۶	۲۲/۱	۳	۰/۵	۰/۷	۰	
شاخص‌های توصیفی حمایت مالی از والدین	۰-۱۵۰۰۰۰۰۰	= بیشینه - کمینه	۵۰۸۷۱۲/۸۷	= میانگین	۰-۱۵۰۰۰۰۰۰	= بیشینه - کمینه	۶۷۰۲۳۴/۰۴	= میانگین

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد ۱۸/۲۳ درصد پاسخگویان هفته‌ای یکبار یا بیشتر از پدر خود و ۲۱/۹۳ درصد از ایشان از مادر خود حمایت ابزاری دارند. ۱۰/۱ درصد از پدر خود و ۱۱/۲ درصد از مادر خود حداقل یکبار در ماه حمایت ابزاری دارند و ۲۸/۲۶ درصد از ایشان کمتر از یکبار در ماه از پدر خود و ۴۲/۶۴ درصد از ایشان کمتر از یکبار در ماه از مادر خود حمایت ابزاری دارند. ۳۳/۴۱ درصد از پاسخگویان از پدر خود و ۲۴/۳۳ درصد از ایشان از مادر خود هیچ حمایت ابزاری ندارند. همچنین ۳۹/۲ درصد از پاسخگویان از پدر خود و ۳۲/۴ درصد از پاسخگویان از مادر خود هیچ حمایت مالی نمی‌کنند و تنها ۴/۲ درصد از ایشان از پدر خود و ۵/۶ درصد از ایشان از مادر خود حداقل یکبار در ماه و بیشتر حمایت مالی می‌کنند. در سال

گذشته فرزندان بزرگسال به پدر حدود ۵۰۸ هزار تومان و به مادر حدود ۶۷۰ هزار تومان در سال کمک مالی کرده یا به ایشان هدیه داده‌اند. حمایت عاطفی از والدین در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: توزیع درصدی نمونه بر حسب گویه‌های حمایت عاطفی فرزندان بزرگسال از والدین

گویه	اصلاً خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
پدر	۲/۲	۳/۷	۸/۲	۲۱/۷	۳۲/۴
مادر	۰/۸	۱/۲	۳/۸	۲۳	۳۱/۲
پدر	۴/۹	۶	۱۵	۱۹/۶	۲۵/۱
مادر	۲/۱	۳/۱	۱۲/۵	۲۰/۴	۲۷/۳
پدر	۳/۳	۴	۷/۶	۲۶/۲	۳۷/۱
مادر	۱/۶	۲/۱	۵/۳	۲۸/۶	۳۵/۱
پدر	۳/۴۶	۴/۵۶	۱۰/۲۶	۲۲/۵	۳۱/۵۲
مادر	۱/۵	۲/۱۰	۷/۲	۲۴	۳۱/۲

چنانکه جدول ۴ نشان می‌دهد ۵۹/۲۲ درصد پاسخگویان از پدر خود و ۶۵/۲ درصد از مادر خود بیشتر از حد متوسط حمایت عاطفی دارند. ۲۲/۱۵ درصد از پدر خود و ۲۴ درصد از مادر در سطح متوسط حمایت عاطفی دارند و ۱۴/۸۲ درصد از ایشان کمتر از متوسط از پدر خود و ۹/۳ درصد از ایشان کمتر از متوسط از مادر خود حمایت عاطفی دارند و تنها ۳/۴۶ درصد از پاسخگویان از پدر خود و ۱/۵ درصد از ایشان از مادر خود هیچ حمایت عاطفی ندارند. چنانکه دیدیم حمایت عاطفی از والدین در سطح گسترده گزارش شده، در حالی که حمایت ابزاری و به‌ویژه حمایت مالی بسیار کمتر بوده است. الگوی روابط با پدر و مادر در تمام ابعاد مشابه یکدیگر بوده و در همه ابعاد حمایت از مادر بیش از پدر گزارش شده است.

نتایج آزمون‌های دومتغیره عوامل اثرگذار بر حمایت ابزاری، عاطفی و مالی فرزندان بزرگسال از والدین در جدول ۵ آورده شده است. چنان که گفتیم متغیرهای وابسته در سطح سنجش ترتیبی و متغیرهای مستقل در سطح سنجش ترتیبی یا اسمی بوده است. بنابراین، در آزمون فرضیه‌ها و در تحلیل‌های دومتغیره از آزمون‌های تاو، و وی کرامرز^۱ استفاده شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون‌های دومتغیره عوامل اثرگذار بر حمایت ابزاری، عاطفی و مالی فرزندان

بزرگسال از والدین

حمایت ابزاری		حمایت عاطفی		حمایت مالی		
مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	
*.۰/۱۰۱	*.۰/۰۹۲			*.۰/۱۰۷	*.۰/۱۵۳	سن پدر/مادر
*.۰/۱۷۰	*.۰/۱۱۴					سلامت پدر/مادر
۰/۰۵۱	*.۰/۲۰۴			۰/۰۴۳	*.۰/۱۰۴	ترتیبات زندگی پدر/مادر
۰/۰۲۵	۰/۰۱۴	*.۰/۱۶۷	*.۰/۲۵۹	*.۰/۱۲۰	*.۰/۰۶۳	تضاد زناشویی
۰/۰۸۳	*.۰/۰۹۸	*.۰/۱۲۸	*.۰/۱۲۲	۰/۰۶۶	۰/۰۷۲	جنسیت فرزندان
۰/۰۵۲	۰/۰۷۲			۰/۰۵۴	*.۰/۰۸۷	اشتغال فرزندان
				*.۰/۲۱۵	*.۰/۲۲۸	رفاه فرزندان
				*.۰/۱۳۴	*.۰/۱۶۸	تفاوت رفاه فرزندان و والدین
۰/۰۲۴	۰/۰۵۹			۰/۰۴۳	۰/۰۳۲	تعداد خواهر و برادر فرزندان بزرگسال
۰/۰۲۱	۰/۰۲۰					داشتن فرزند وابسته
*.۰/۲۰۶	*.۰/۱۹۷	*.۰/۱۷۷	*.۰/۱۷۴	*.۰/۱۳۹	*.۰/۱۵۴	دین‌داری فرزندان
*.۰/۱۱۳	*.۰/۱۶۴	*.۰/۳۷۰	*.۰/۳۳۰	*.۰/۱۹۴	*.۰/۱۴۳	تعهد فرزندی
*.۰/۲۴۸	*.۰/۱۱۶	*.۰/۴۰۸	*.۰/۲۲۳	*.۰/۲۶۹	*.۰/۱۵۹	تضاد با پدر/مادر
*.۰/۴۴۲	*.۰/۴۵۲	*.۰/۱۲۴	*.۰/۰۷۲	*.۰/۱۳۵	*.۰/۱۱۲	فاصله جغرافیایی از پدر/مادر

چنانکه در جدول فوق می‌بینیم با افزایش سن والدین حمایت ابزاری و حمایت مالی در سطح معناداری افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه ۲ مبنی بر رابطه سن والدین با حمایت ابزاری و حمایت مالی از والدین پذیرفته می‌شود. از آنجا که در سنین سالمندی نیاز افراد به حمایت ابزاری و مالی افزایش می‌یابد، این یافته نشان می‌دهد در زمانی که والدین نیاز بیشتری داشته باشند فرزندان به‌طور معناداری حمایت ابزاری و حمایت مالی بیشتری از والدین خود دارند. سلامت والدین با حمایت ابزاری رابطه معنادار داشته و بنابراین، فرضیه ۳ مبنی بر رابطه سلامت والدین با حمایت ابزاری فرزندان بزرگسال پذیرفته شده است.

حمایت فرزندان بزرگسال با ترتیبات زندگی مادران در ابعاد حمایت ابزاری و حمایت مالی رابطه معناداری داشته و بنابراین، فرضیه ۴ رابطه ترتیبات زندگی مادر و حمایت فرزندان بزرگسال از مادر در ابعاد مذکور پذیرفته می‌شود. مادرانی که تنها زندگی می‌کنند، از حمایت ابزاری و

حمایت مالی بیشتر فرزندان بزرگسال بهره‌مند می‌شوند. والدینی که تضاد بیشتری با هم داشته‌اند/دارند، کمتر از دیگر افراد از فرزندان بزرگسال خود حمایت عاطفی و حمایت مالی دریافت می‌کنند. بنابراین فرضیه ۵ مبنی بر رابطه میان تضاد زناشویی با حمایت از والدین در بعد حمایت عاطفی و حمایت مالی پذیرفته می‌شود.

حمایت ابزاری فرزندان بزرگسال دختر از مادر در سطح معناداری بیش از فرزندان بزرگسال پسر بوده است. حمایت عاطفی فرزندان بزرگسال دختر از والدین بیش از فرزندان بزرگسال پسر بوده است و جنسیت رابطه معناداری با حمایت مالی از والدین نداشته است. بنابراین، فرضیه ۶ مبنی بر رابطه جنسیت فرزندان بزرگسال با حمایت از والدین در بُعد حمایت ابزاری از مادر و در بُعد حمایت عاطفی از والدین پذیرفته می‌شود.

افراد شاغل در سطح معناداری حمایت مالی بیشتری از مادر خود دارند. بنابراین، فرضیه ۷ مبنی بر رابطه میان اشتغال فرزندان بزرگسال با حمایت مالی فرزندان بزرگسال از مادر با در سطح معناداری پذیرفته می‌شود.

افرادی که رفاه بالاتری دارند و افرادی که رفاه ایشان از والدین‌شان بیشتر است بیش از دیگر افراد از والدین خود حمایت مالی دارند. بنابراین، فرضیه ۸ و ۹ مبنی بر رابطه میان رفاه فرزندان بزرگسال و تفاوت رفاه با حمایت مالی از والدین در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. تعداد خواهر و برادر فرد پاسخگو رابطه معناداری با حمایت ابزاری و حمایت مالی از والدین ندارد و بنابراین، فرضیه ۱۰ پذیرفته نمی‌شود. همچنین افرادی که فرزند زیر شش سال دارند حمایت ابزاری کمتری از والدین خود ندارند. بنابراین، فرضیه ۱۱ نیز پذیرفته نمی‌شود.

هر چه دین‌داری فرزندان بزرگسال بیشتر باشد حمایت ایشان در ابعاد مختلف از والدین بیشتر خواهد بود. بنابراین، فرضیه ۱۲ مبنی بر رابطه دین‌داری فرزندان بزرگسال با حمایت ایشان از والدین در تمام ابعاد پذیرفته می‌شود. یافته‌های مشابه در تأثیر تعهد فرزندی، تضاد با والدین و فاصله جغرافیایی بر حمایت از والدین مشاهده شده و بنابراین، فرضیه‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۵ در تمام ابعاد پذیرفته می‌شود. تحلیل چندمتغیره عوامل مؤثر بر حمایت از والدین در ابعاد حمایت ابزاری، حمایت عاطفی و حمایت مالی در جدول ۶ آورده شده است.^۱

۱. اعداد مندرج در جدول، مقادیر برآورد (Estimate) می‌باشد.

جدول ۶: رگرسیون لجستیک ترتیبی متغیر حمایت از والدین با استفاده از متغیرهای پیش‌بین

حمایت ایزاری		حمایت عاطفی		حمایت مالی		
مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	
-۰/۳۶	-۰/۳۷			*-۰/۷۵	-۰/۴۸	سن پدر/مادر (مرجع: زیر ۶۰ سال)
*-۰/۴۸	*-۰/۵۴			*-۰/۵۸	*-۰/۴۶	۷۵ سال و بالاتر (مرجع: ۶۰-۷۵ سال)
۰/۰۱	*۰/۳۹					سلامت پدر/مادر (مرجع: بالا)
*-۰/۸۷	*-۰/۸۷			-۰/۷۸	-۰/۵۰	ترتیبات زندگی پدر/مادر (مرجع: به تنهایی)
-۰/۰۷	۱/۴۷	*۰/۵۹	*۰/۸۵	۰/۲۱	۰/۳۶	تضاد زناشویی والدین (مرجع: پایین)
-۰/۱۸	۰/۳۳	۰/۰۲	۰/۲۸	۰/۲۵	۰/۳۷	(مرجع: بالا) متوسط
*۰/۳۲	-۰/۰۳	*-۰/۳۵	-۰/۲۴	۰/۱۱	۰/۲۲	جنسیت پاسخگو (مرجع: زن)
-۰/۱۲	*-۰/۶۲			*-۰/۳۸	-۰/۲۶	وضعیت اشتغال پاسخگو (مرجع: شاغل)
				*-۱/۴۷	*-۱/۴۰	وضعیت رفاه فرزندان (مرجع: پایین)
				*-۰/۸۲	*-۰/۷۷	(مرجع: بالا) متوسط
				۰/۰۲	۰/۰۱	تفاوت رفاه (مرجع: والدین بیشتر)
				۰/۰۲	۰/۱۷	فرزندان بیشتر) برابر
-۰/۱۳	-۰/۱۷			-۰/۰۲	-۰/۲۵	تعداد خواهر و برادر(سه و بیشتر)
*۰/۳۵	۰/۲۹					داشتن فرزند وابسته (مرجع: دارد)
*-۰/۷۰	*-۰/۹۶	*-۰/۶۴	*-۰/۴۱	*-۰/۳۴	۰/۰۲	پایین
*-۰/۴۰	*-۰/۴۸	*-۰/۴۰	-۰/۱۷	*-۰/۴۰	-۰/۳۳	متوسط
*-۰/۵۹	-۰/۱۰	*-۱/۶	*-۱/۷۶	*-۰/۵۸	*-۰/۶۳	پایین
*-۰/۵۲	*-۰/۴۷	*-۰/۸۱	*-۰/۷۴	*-۰/۴۶	-۰/۲۲	متوسط
۰/۴۶	*۱/۵۱	*۱/۸۸	*۲/۸۶	*۰/۹۰	*۱/۵۲	تضاد با پدر/مادر (مرجع: بالا)
*۲/۸۵	*۲/۸۰	۰/۲۰	*۰/۴۳	*۰/۵۹	*۰/۶۶	یک محله یا منطقه
*۰/۷۸	*۰/۸۱	-۰/۱۶	-۰/۲۲	۰/۱۵	۰/۱۷	(مرجع: استان یا کشور منطقه دیگر یا دیگر) یک استان
۲۸۵/۷۱	۱۷	۳۴۰/۴۴	۱۷	۱۴۶/۰۱	۱۴۹/۱۴	Chi-squer
				۱۹	۱۹	df
				۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig
۱۱۱۳/۷۸		۱۴۲۰/۵۳		۱۶۳/۲۶	۱۲۵۱/۰۸	Chi-squer
				۱۵۵۱	۱۲۴۷	df
				۰/۰۸	۰/۴۶	Sig
				۰/۱۷۴	۰/۲۳۱	Nagelkerke
				۰/۳۶۳	۰/۳۵۰	Pseudo R Square
				۱۱۹۷	۱۴۵۹	Goodness of fit
				۰/۹۳	۰/۷۷	deviance
				۰/۹۶	۰/۹۹	of fit

چنانکه در جدول فوق می‌بینیم همه مدل‌های مفروض عوامل اثرگذار بر حمایت فرزندان بزرگسال از والدین، در سطح معنادار قابل قبول هستند. این مدل‌ها در ابعاد حمایت ابزاری و حمایت عاطفی توانایی تبیین بالاتری نسبت به حمایت مالی دارند. بیشترین توان تبیین مدل در حمایت ابزاری از والدین است. به طوری که عوامل مذکور ۳۷ درصد از واریانس حمایت ابزاری از پدر و ۳۶/۳ درصد از حمایت ابزاری از مادر را تبیین می‌کنند. تحلیل‌های چندمتغیره نشان می‌دهد:

حمایت ابزاری از والدین در سطح معنادار متأثر از سن والدین، ترتیبات زندگی، فاصله جغرافیایی، دین‌داری فرزندان بزرگسال و تعهد فرزندی می‌باشد. حمایت ابزاری از پدر در سطح معنادار متأثر از سلامت پدر، وضعیت اشتغال پاسخگو، تضاد فرزندان بزرگسال با پدر و حمایت ابزاری مادر در سطح معنادار متأثر از جنسیت پاسخگویان و داشتن فرزند وابسته می‌باشد. حمایت عاطفی از والدین در سطح معنادار متأثر از تضاد زناشویی والدین، تضاد فرزندان بزرگسال با والدین، دین‌داری فرزندان بزرگسال و تعهد فرزندی می‌باشد. همچنین حمایت عاطفی از پدر در سطح معنادار متأثر از فاصله جغرافیایی و حمایت عاطفی از مادر در سطح معنادار متأثر از جنسیت فرزندان بزرگسال می‌باشد. حمایت مالی از پدر در سطح معنادار متأثر از سن والدین، رفاه فرزندان بزرگسال، تضاد فرزندان بزرگسال با والدین، فاصله جغرافیایی و تعهد فرزندی می‌باشد. همچنین حمایت مالی از مادر در سطح معنادار متأثر از دین‌داری فرزندان بزرگسال و اشتغال فرزندان بزرگسال می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

با افزایش امید زندگی، زمان طولانی روابط والدین و فرزندان برای هر دو نسل جایگاه خاصی یافته و محققین به دنبال پاسخگویی به این سؤالات هستند که با تغییراتی مانند اشتغال زنان و جدایی فیزیکی فرزندان بزرگسال از والدین، آیا ایشان همچنان از والدین خود حمایت می‌کنند؟ و چه عواملی بر حمایت از والدین اثرگذار است؟ نتایج این پیمایش در شهر تهران نشان دهنده میانگین ابعاد مختلف حمایت فرزندان بزرگسال از پدر و مادر در سطح معناداری متفاوت بوده است. الگوی روابط با پدر و مادر مشابه یکدیگر بوده و حمایت از مادر بیش از پدر گزارش شده است. این یافته هم‌راستا با مطالعات کریمی (۱۳۸۶)، کالمین (۲۰۱۴)، ایکینک، وانتیلبرگ و

نیچپیر (۱۹۹۹) و شکوهی (۱۳۹۱) است.

حمایت عاطفی فرزندان بزرگسال از والدین در سطح بالا و حمایت ابزاری و به‌ویژه حمایت مالی در سطح پایین گزارش شده است. هم‌راستا با این یافته، حمایت عاطفی در سطح بالا در مطالعات آتیاز دانفت و همکاران (۲۰۰۵)، کولی و کانموند (۲۰۰۱) و فینگرمن و همکاران (۲۰۱۲) و حمایت مالی و ابزاری پایین‌تر در مطالعات کالمین (۲۰۱۴) و بنگستون و ایاما (۲۰۰۷) گزارش شده است.

با افزایش سن والدین حمایت ابزاری و حمایت مالی در سطح معناداری افزایش می‌یابد. این یافته هم‌راستا با مطالعات فینگرمن و همکاران (۲۰۱۰)، ایکینک، وان‌تیلبرگ و نیچپیر (۱۹۹۹) و شکوهی (۱۳۹۱) است. همچنین حمایت فرزندان بزرگسال با ترتیبات زندگی والدین در بُعد حمایت ابزاری رابطه معناداری داشته است. این یافته هم‌راستا با مطالعات کالمین (۲۰۱۴)، ایکینک و همکاران (۱۹۹۹) و حصارى (۱۳۹۶) می‌باشد. یافته‌ها تأییدکننده نظریه اقتضایی است که بیان می‌دارد، جریان حمایت به سوی افراد کمتر برخوردار و نیازمند است. از آنجا که با افزایش سن والدین و به‌تنهایی زندگی کردن والدین، نیاز ایشان افزایش می‌یابد، بنابراین، حمایت بیشتری نیز دریافت می‌کنند.

بر اساس چارچوب نظری تحقیق، عدم وجود منابع به حد کفایت، با کاهش حمایت از والدین ارتباط معنادار دارد و براین‌اساس، تضاد زناشویی، تضاد با والدین و کاهش دین‌داری می‌تواند با کاهش حمایت ارتباط معناداری داشته باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد، والدینی که تضاد بیشتری با هم دارند، حمایت عاطفی کمتری از فرزندان بزرگسال خود دریافت نموده‌اند. همچنین دیدیم که هر چه تضاد فرزندان بزرگسال با والدین بیشتر باشد، والدین در ابعاد عاطفی و مالی، حمایت کمتری از فرزندان خود دارند. آلن (۲۰۰۲) نیز بخشی از این یافته را در مطالعه خود گزارش کرده است. از دیگر یافته‌های مطالعه این بود که هر چه دین‌داری فرزندان بزرگسال بیشتر باشد، حمایت ایشان در ابعاد ابزاری و عاطفی از والدین بیشتر خواهد بود. این یافته هم‌راستا با نتایج مطالعه کیلیان و گانونگ (۲۰۰۲) و فرمند و همکاران (۲۰۱۴) است.

افرادی که رفاه بالاتری دارند، بیش از دیگر افراد از والدین خود حمایت مالی دارند. محمودیان و ضرغامی (۱۳۹۴)، حصارى (۱۳۹۶)، فرمند و همکاران (۲۰۱۴) نیز این یافته را در مطالعات خود نشان دادند. این یافته تأییدکننده نظریه همبستگی بین‌نسلی است که بیان می‌کند،

دسترسی به منابع حمایت، اصل اساسی در مبادله منابع بین فرزندان و والدین می‌باشد. هر چه تعهد فرزندان بزرگسال بیشتر باشد حمایت ایشان از والدین بیشتر خواهد بود. این یافته همراستا با نتایج مطالعه ایکینک، وان تیلبرگ و نیپچیر (۱۹۹۹) و تأییدکننده نظریه نوع دوستی است که در آن داشتن تعهد با افزایش حمایت همراه است.

هر چه فاصله جغرافیایی فرزندان کمتر باشد حمایت ایشان از والدین در ابعاد ابزاری و مالی بیشتر خواهد بود. مطالعات بنگستون و رابرت (۱۹۹۱)، کالمین (۲۰۱۴) و حصاری (۱۳۹۶) نیز این یافته را نشان داده‌اند. باتوجه به نظریه همبستگی بین نسلی، نزدیکی جغرافیایی مؤلفه‌ای اصلی است و دسترسی به منابع حمایت، اصل اساسی در مبادله منابع و حمایت‌ها بین فرزندان و والدین می‌باشد.

حمایت ابزاری و حمایت عاطفی فرزندان بزرگسال دختر از مادر در سطح معناداری بیش از فرزندان بزرگسال پسر بوده است. کالمین (۲۰۱۴)، فرهمند و همکاران (۲۰۱۴) نیز رابطه میان حمایت از والدین و جنسیت فرزندان بزرگسال را نشان داده‌اند.

افراد شاغل در سطح معناداری از مادر خود حمایت مالی بیشتری دارند. این یافته نیز همراستا با مطالعه حصاری (۱۳۹۶) بوده است.

تعداد خواهر و برادر با حمایت از والدین رابطه معناداری ندارد. مغایر با این یافته کالمین (۲۰۱۴)، کالمین و داکسترا (۲۰۰۶)، کالمین و ساراکنو (۲۰۰۸) نشان داده‌اند هر چه تعداد خواهر و برادرها بیشتر باشد ارتباط کمتر برقرار می‌شود.

چنانکه گفتیم روابط والدین و فرزندان بزرگسال پیامدهای مثبت بسیار دارد. نتایج این مطالعه نشان داد، برای افزایش حمایت فرزندان بزرگسال از والدین لازم است نیازهای والدین کاهش و توانایی فرزندان افزایش یابد. در این راستا آموزش و توانمندسازی نقش اساسی دارد و شامل آموزش والدین و فرزندان بزرگسال می‌باشد. حفظ و ارتقا سلامت جسمی و روانی والدین توسط افراد و متولیان سلامت می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. رسانه‌ها و برگزاری دوره‌های مهارت‌های ارتباطی نقش مؤثری در آموزش خواهند داشت. چنانکه مطالعات پیشین نیز نشان داده (مدیری، ۱۳۹۸) میانگین سلامت مادران کمتر از پدران بوده، زندگی کردن به تنهایی در مادران بیشتر است و ایشان نیاز مالی و ابزاری بیشتری نسبت به پدران دارند. بنابراین، توانمندسازی والدین به‌ویژه مادران در سنین پیش از سالمندی از اهمیت بالایی برخوردار خواهد

بود. چنانکه گفتیم فرزندان بزرگسال با درآمد بالاتر، حمایت مالی بیشتری از والدین دارند. اشتغالزایی جوانان و فراهم کردن زمینه مناسب برای رفاه بالاتر ایشان می‌تواند همبستگی بین‌نسلی و حمایت از والدین را افزایش دهد. باتوجه به امکانات حداقلی خانواده و تعهدات حداکثری آن، در جامعه ما، لزوم وجود سیاست‌های دوست‌دار خانواده در راستای افزایش حمایت از والدین توصیه می‌شود. از یافته‌های این مقاله تأثیر دین‌داری بر حمایت از والدین بوده که باتوجه به گرایش‌های مذهبی ایرانیان می‌تواند عامل مؤثری در همبستگی نسل‌های آینده باشد. شناخت این عامل اثرگذار توسط افراد می‌تواند انگیزه‌ای برای تربیت مذهبی فرزندان آنها نیز باشد. از یافته‌های این پژوهش رابطه معنادار حمایت از والدین با تضاد زناشویی و تضاد با والدین بوده است. براین اساس، روابط مثبت زوجین در آینده حمایت بیشتر فرزندان را به دنبال خواهد داشت. همچنین والدین باید بکوشند تا با فرزندان خود روابط بهینه‌ای داشته باشند تا از فرزندان خود در سالمندی حمایت بیشتری دریافت کنند. برخورداری از مهارت‌های ارتباطی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد این روابط نماید.

در این حوزه انجام مطالعات کیفی، شناخت عوامل اثرگذار بر حمایت از والدین در گروه‌های مختلف اجتماعی، سنی، تحصیلی، درآمدی و بررسی تفاوت‌های جنسیتی پیشنهاد می‌شود. انجام این تحقیق در بین فرزندان بزرگسالی که با والدین خود هم‌سکنا هستند و مقایسه آن نیز پیشنهاد می‌شود.

از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به این مورد اشاره کرد که در این تحقیق از هر خانواده یک نفر به مصاحبه دعوت شده است، اما می‌توان در این خصوص به عدم گزارش یکسان توسط والدین و فرزندان در حمایت‌های ارائه شده (هریک از دید خود گزارش می‌دهند) اشاره کرد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۵). *تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی*، تهران: انتشارات تیسرا.
- حصاری، علی (۱۳۹۶). *الگوها و عوامل تعیین‌کننده انتقالات بین نسل‌های والدین سالمند و فرزندان بزرگسال در شهر تهران*، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- دی. ای. دواس (۱۳۸۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۱ صص: ۶۶ - ۳۴.

- شکوهی، شیما (۱۳۹۱). بررسی تأثیر روابط بین‌نسلی بر ترتیبات زندگی سالمندان ۶۰ سال به بالا شهر شیراز، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرهمنده، مهناز؛ یاسین خرم‌پور، زهره پارساییان و فرزانه ماندگاری (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۷، شماره ۳، صص ۱۷۷-۱۴۹.
- کریمی، زینب (۱۳۸۶). بررسی عوامل جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر حمایت بین‌نسلی (فرزندان بزرگسال-والدین)، مطالعه موردی شهر ورامین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- کوششی، مجید (۱۳۸۸). رفتارهای جمعیتی و الگوهای حمایت اجتماعی سالمندان شهر تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۸، صص ۱۷۲-۱۴۹.
- محمودیان، حسین و حسین زرغامی (۱۳۹۴). تأثیرات مهاجرت فرزندان بر حمایت اجتماعی والدین سالمند روستایی، مطالعه موردی (روستاهاى شهرستان بردسکن)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۵۳-۲۹.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی روابط فرزندان بزرگسال با والدین: تماس، حمایت و تعهد، طرح پژوهشی، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور.
- مدیری، فاطمه و محمدصادق مهدوی (۱۳۹۴). ارزش‌های خانوادگی پست‌مدرن در شهر تهران، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۱۱، شماره ۴۳، صص ۲۹۶-۲۸۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵.
- Albertini, M., & J. Radl (2012). Intergenerational transfers and social class: Inter-vivos transfers as means of status reproduction? *Acta Sociologica*, 55(2): 107-123.
- Allen, M. S. (2002). *The influence of parents' marital quality on parent-adult child intimacy: the role of the family expressiveness and relationship attributions*. Texas Tech University.
- Aquilino, W. (2006). *Family relationships and support systems in emerging adulthood*. In J. J. Arnett & J. L. Tanner (Eds.), *Emerging adults in the America: Coming of age in the 21st century*: 193-217.
- Attias-Donfut, C., J. Ogg, & F. C. Wolff (2005). European patterns of intergenerational financial and time transfers, *European journal of ageing*, 2(3): 161-173.
- Bengtson, V. L., & P. S. Oyama (2007). Intergenerational solidarity: Strengthening economic and social ties, *New York: United Nations Headquarters*.
- Bengtson, V. L., & R. E. Roberts (1991). Intergenerational solidarity in aging families: An example of formal theory construction. *Journal of Marriage and the Family*,

- Vol. 53(4): 856-870.
- Bengtson, V. L., A. Lowenstein; N. M. Putney; & D. Gans (2003). Global aging and the challenge to families. *Global aging and challenges to families*: 1-24.
- Cantor, M. H. (1979). Neighbors and friends: An overlooked resource in the informal support system, *Research on aging*, 1(4): 434-463.
- Daatland, S. O., K. Herlofson, & I. A. Lima (2011). Balancing generations: on the strength and character of family norms in the West and East of Europe. *Ageing & Society*, 31(7): 1159-1179.
- Daatland, S. O., M. Veenstra, & K. Herlofson (2012). Age and intergenerational attitudes in the family and the welfare state. *Advances in life course research*, 17(3): 133-144.
- Drake, D., J. Dandy, J. Loh, D. Preece (2018). Should Parents Financially Support their Adult Children? Normative Views in Australia, *Journal of Family and Economic Issues*, 39: 348-359.
- Dykstra, P. (2010). *Intergenerational family relationships in ageing societies*, United Nations Publication.
- Dykstra, P. A. & A. E. Komter (2006). Structural characteristics of Dutch kin networks. *Family solidarity in the Netherlands*: 21-42.
- Dykstra, P. A., & Komter, A. E. (2012). Generational interdependencies in families: The MULTILINKS research programme, *Demographic Research*, 27: 487-506.
- EGGEBEEN, D. J., & A. Davey (1998). Do safety nets work? The role of anticipated help in times of need. *Journal of Marriage and the Family*, 60: 939-950.
- Fingerman, K. L., L. M. Pitzer, W. Chan, K. Birditt, M. M. Franks, & S. Zarit (2010). Who gets what and why? Help middle-aged adults provide to parents and grown children. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 66(1): 87-98.
- Fingerman, K. L., Y. P. Cheng, L. Tighe, K. S. Birditt, & S. Zarit (2012). Relationships between young adults and their parents, In *Early adulthood in a family context*, 59-85: Springer.
- Furstenberg, F. F. (2000). The sociology of adolescence and youth in the 1990s: A critical commentary, *Journal of Marriage and the Family*, 62: 896-910.
- Greene, B. A. (1990). What has gone before: The legacy of racism and sexism in the lives of Black mothers and daughters. *Women & Therapy*, 9(1-2): 207-230.
- Grundy, E., & N. Shelton (2001). Contact between adult children and their parents in Great Britain 1986-99, *Environment and planning A*, 33(4): 685-697.
- Harper, S. (2003). Changing families as European societies age, *European Journal of Sociology*, 44(2): 155-184.
- Herlofson, K., & G. O. Hagestad (2011). Challenges in moving from macro to micro: Population and family structures in ageing societies. *Demographic Research*, 25: 337-370.

- Huber, S., & O. W. Huber (2012). The centrality of religiosity scale (CRS), *Religions*, 3(3): 710-724.
- Ikkink, K. K., T. V. Tilburg, & K. C. Knipscheer (1999). Perceived instrumental support exchanges in relationships between elderly parents and their adult children: Normative and structural explanations, *Journal of Marriage and the Family*: 831-844.
- Kalmijn, M. & C. Saraceno (2008). A comparative perspective on intergenerational support: Responsiveness to parental needs in individualistic and familialistic countries. *European Societies*, 10(3): 479-508.
- Kalmijn, M. (2014). Adult intergenerational relationships, *The Wiley-Blackwell companion to the sociology of families*: 385-403.
- Kalmijn, M., & Dykstra, P. A. (2006). Differentials in face-to-face contact between parents and their grown-up children, *Family solidarity in the Netherlands*: 63-88.
- Kalmijn, M., & J. De Vries (2009). Change and stability in parent-child contact in five Western countries, *European Journal of Population/Revue europeenne de demographie*, 25(3): 257-276.
- Killian, T., & L. H. Ganong (2002). Ideology, context, and obligations to assist older persons, *Journal of marriage and family*, 64(4): 1080-1088.
- Kohli, M., & Künemund, H. (2001). Intergenerational transfers in the family: What motivates giving, *Global aging and challenges to families*: 123-142.
- Levin, K. A. & C. Currie (2010). Family structure mother-child communication, father-child communication, and adolescent life satisfaction: A cross-sectional multilevel analysis, *Health Education*, 110(3): 152-168.
- Lye, D. N. (1996). Adult child-parent relationships, *Annual review of sociology*, 22(1): 79-102.
- Onayli, S. (2010). *The relation between mother-daughter relationship and daughter's well being*, Middle East Technical University: Thesis.
- Pickard, L. (2002). The decline of intensive intergenerational care of older people in Great Britain, 1985-1995. *Population Trends* 110: 31-41.
- Schwarz, B., G. Trommsdorff, I. Albert, & B. Mayer (2005). Adult parent-child relationships: Relationship quality, support, and reciprocity. *Applied Psychology*, 54(3): 396-417.
- Silverstein, M., S. J. Conroy, H. Wang, R. Giarrusso, & V. L. Bengtson (2002). Reciprocity in parent-child relations over the adult life course, *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 57(1): S3-S13.
- Tennstedt, S. L., S. L. Crawford, & J. B. McKinlay (1993). Is family care on the decline? A longitudinal investigation of the substitution of formal long-term care services for informal care, *The Milbank quarterly*: 601-624.
- van Gaalen, R. I., P. A. Dykstra, & A. E. Komter (2010). Where is the exit? Intergenerational ambivalence and relationship quality in high contact ties. *Journal of Aging Studies*, 24(2): 105-114.

The Study of Adult Children's Supports for their Parents and the Influencing Factors in Tehran

Fateme Modiri*

Abstract

Given the socio-economic changes in recent decades and the need to examine intergenerational relationships, this study examines the various dimensions of adult children's support of parents, including instrumental support, emotional support and financial support. The statistical population of this cross sectional survey was men and women aged 18 years old and above in Tehran who had at least one living parent and non-coresident. A thousand men and women were selected by multi-stage clustering sampling from 30 districts. The findings have shown that adult children's support with their parents was not the same in different dimensions, so as emotional support for parents was greater than instrumental support, especially financial support. The factors influencing adult children's support of their parents are not the same in different dimensions and has been influenced by the socioeconomic characteristics, resources, needs, and barriers in parents and adult children. Instrumental support affected by parental age, living arrangements, adult children's religiosity, child commitment, geographical distance; emotional support affected by adult children's religiosity, filial obligation, parental conflict, conflict with parents; financial support affected by the age of the parents, the welfare of adult children, child commitment, conflict with parents, geographical distance. These findings confirm the theories of altruism, intergenerational and contingent solidarity.

Keywords: parental support, emotional support, instrumental support, financial support, adult children.

* Associate Professor of Sociology, Department of Family Studies, National Population Research Institute. E-mai: fateme.modiri@psri.ac.ir